

جان کلام من در صحبت امروز عبارت است از، اول عظمت ایران، دوم اقتدار جمهوری اسلامی و سوم شکست‌ناپذیری ملت ایران... اینها واقعیاتی است که دشمنان ملت ایران آرزو می‌کنند که ما اینها را ندانیم یا از آنها غفلت کنیم و گمان دیگری در مورد خودمان و کشورمان و ملت‌مان ببریم؛ ولی این حقایق واضح‌تر از این است که کسی بتواند آنها را انکار کند... «عظمت ایران» یک امر واضحی است که هر منصفی ناچار است آن را تصدیق بکند. در مورد «اقتدار جمهوری اسلامی» همین بس که جمهوری اسلامی، کشور ایران را از زیر سلطه‌ی انگلیس و آمریکا بیرون کشید...

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۰۷ / شنبه ۲۶ مرداد ماه ۱۳۹۸

مردم می‌پرسند کی نوبت آواربرداری داخلی است؟

- ابتکار:** ۱- قصه ما و آمریکا، نقطه اوج بحرانش را گذرانده است. هنوز بحران تمام نشده، اما به نظر من آمریکا مزیت‌های استراتژیکش در منطقه را از دست داده است و ما توانسته‌ایم در این یکی دو سال، این بحران را خوب مدیریت کنیم.
- ۲- اوج‌گیری تنش ما با آمریکا در دوران ترامپ علت‌های متعددی می‌تواند داشته باشد. گذشته از هر علتی اما این بحران نقاط ضعف و قوت راهبردهای ما را نشان داد. به تعبیری مزیت‌ها و تهدیدهای استراتژیک ما را آشکار کرد.
- ۳- گذشته از آشکارگی در ابعاد استراتژی‌های منطقه‌ای، این جنگ اقتصادی نقاط آسیب‌پذیر داخلی ما را نیز آشکار کرد. در واقع آسیب‌پذیری ما، هم در ابعاد استراتژیک و هم در امور کوچک‌تر و عملیاتی‌تر در این نزاع، مشخص شد. به تعبیری ما اکنون می‌توانیم تصویر واضح‌تری از استراتژی‌های تولید «قدرت ملی» و برنامه‌های عملیاتی «منشور حکمرانی» در کشورمان به دست دهیم.
- ۴- به همین علت می‌توان از درس‌های بحران‌های اخیر سراغ گرفت. اکنون که از گردنه‌های مهم با تاب‌آوری و تحمل مردم عبور کردیم نوبت آواربرداری است. اکنون که به داخل می‌نگریم مردمانی با عزت و صلابت اما زخم‌خورده و آسیب‌دیده می‌بینیم. به ایران که می‌نگریم آن را کشوری هرچند راست‌قامت و سربلند اما با سر و صورتی خونی و زخمی و تیروترکش‌خورده می‌بینیم.
- ۵- باید حواس‌ها و هواها را چرخاند و به این آوارها نگاه کرد. مردم از خود می‌پرسند اکنون که در این جنگ اقتصادی کشور توانست نرخ ارز را مهار کند چرا افسار قیمت‌ها کشیده نمی‌شود؟ من از پیچیدگی رابطه نرخ ارز و قیمت کالا مطلعم؛ اما مگر مهم‌تر از زیست‌پذیر کردن کشور، حکومت وظیفه‌ای دارد؟
- ۶- واضح است که امنیت نیاز اساسی و اولیه ما است. ما آن را با هیچ چیزی معامله نمی‌کنیم. امنیت را هم در سایه استقلال معنا کرده‌ایم. یعنی نمی‌توانیم در یک خانه مجللی که صدای چکمه سرباز بیگانه که دارد دور خانه راه می‌رود و اختیار عبور و مرور را دارد در آن به گوش می‌رسد، احساس امنیت کنیم. این جزو اصول ما است. اما این‌سان از امنیت و عزت نیاز است تا بتوان با کیفیت دیگری «زندگی» کرد. به «زندگی» معنای دیگری بخشید. اکنون اگر فکر جدی نشود خود «زندگی» در مخاطره است. مردم از ما می‌پرسند چرا اصلاح ساختارهای بیمار و برنامه‌هایی که برای تقویت قشر

آسیب‌پذیر اعلام کردید به نتیجه نمی‌رسد. می‌پرسند اگر دولت بی‌رمق و کم‌حمیت است، در مجلس چه خبر است که شما نمی‌توانید با نظارتِ درست، آنان را پاسخگو کنید؟

۷- راستش را بخواهید در درون کشور هیچ کار جدی در آواربرداری از آثار جنگ اقتصادی انجام نشده است. و ما توجیهی برای آن نداریم! جز اقدام هرچند مثبت اما کم‌تاثیرگذار در برخورد با چند فاسد اقدام دیگری در مبارزه با اصل فساد انجام نداده‌ایم. مشخص نیست چرا در ایجاد شفافیت به وسیله اصلاحات در ساختار اقتصادی و مدیریتی کشور تعلل می‌ورزیم؟ مشخص نیست چرا برای ایجاد عنصر پاسخگویی در سیاست تردید داریم؟ برای مردم پذیرفته نیست که چرا حذف یارانه ثروتمندان، شفافیت بنگاه‌ها، اخذ مالیات از خانه‌های خالی و به‌طور کلی جلوگیری از فرار مالیاتی به نتیجه نمی‌رسند.

مقاومت ۲۰- مذاکره صفر

کیهان: «نفتکش گریس ۱ می‌تواند این منطقه را ترک کند»، این جمله‌ای بود که دیروز جمعه از سوی رئیس حکومت منطقه جبل‌الطارق اعلام و بلافاصله به تیترا نخست رسانه‌های مطرح منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد. سیزدهم تیرماه بود که مقامات منطقه جبل‌الطارق که تحت سلطه انگلیس قرار دارد، در اقدامی که از سوی مقامات کشورمان راهزنی دریایی خوانده شد، نفتکش گریس ۱ را که حامل محموله نفتی ایران بود، به بهانه نقض تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه در نزدیکی آب‌های این منطقه توقیف کردند.

چندی بعد جمهوری اسلامی ایران نیز اقدام به تغییر مسیر چهار کشتی انگلیسی کرد که دو مورد از آن به توقیف منجر شد. از دو نفتکش توقیف‌شده نیز یک مورد پس از توجیحات اولیه آزاد و در نهایت کشتی «استنا ایمپرو» در توقیف ایران قرار گرفت. عملیات توقیف این نفتکش انگلیسی با یک بالگرد و تنها دو قایق تندروی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفته بود.

در پی توقیف نفتکش انگلیس در آب‌های جمهوری اسلامی ایران، درخواست‌های مکرری از سوی انگلیس برای آزادی این نفتکش مطرح شد. در تمامی این درخواست‌ها آزادی نفتکش ایرانی منوط به آزادی نفتکش انگلیس شده بود و در آخرین موارد، حکومت انگلیس اعلام کرده بود که حاضر است تنها به فاصله چند ساعت از آزادی کشتی خود، نفتکش ایران را رفع توقیف کند. درخواست‌هایی که با مقاومت نظام همراه بود و تنها راه آزادی نفتکش انگلیسی را آزادی بدون قید و شرط کشتی ایران عنوان کرده بود.

این روند مقاومت و پاسخ حداکثری جمهوری اسلامی در نهایت دیروز نتیجه داد و حکومت جبل‌الطارق که زیر نظر انگلیس است، اعلام کرد که کشتی ایرانی می‌تواند منطقه را ترک کند. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که تمامی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر لغو روایت و تغییر مسیر کشتی از سوریه به جای دیگر نیز از سوی جمهوری اسلامی پذیرفته نشده است.

چرخش امارات چقدر جدی است؟

جوان: دو هفته‌ای است که بحث چرخش سیاست خارجی امارات بر سر زبان رسانه‌های منطقه افتاده است. واکنش دستگاه سیاست خارجی ایران به این موضوع تا بدین جا به شکل حساب شده‌ای محتاطانه و به دور از هیجان و

شگفت‌زدگی بوده است. ضمن تقدیر از این نوع مواجهه باید تلاش کرد که چنین مواجهه‌ای ادامه یابد. علت این امر به چند موضوع برمی‌گردد. اولاً حکومت امارات به واسطه شرایط خود نمی‌تواند سیاست خارجی چندان مستقلی داشته باشد. وضعیت اقتصادی، مباحث نظامی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ساختار سیاسی داخلی این امارت نشین موجب شده است که نتوان چرخش سیاست خارجی را در آینه واقعیت باور کرد. در واقع امارات یک شیخ نشین هفت منطقه‌ای است که تمامی ارکان آن باتوجه به اتکا به کشورهای خارجی به ویژه سعودی و آمریکا نظم یافته است. از این رو تغییر شرایط سیاست خارجی آن می‌تواند با فشار آمریکایی‌ها حتی برخلاف خواست امارات دوباره به حالت اول برگردد. حال این که به طور اساسی باید به خواست واقعی اماراتی‌ها نیز شک کرد. ثانیاً در موضوع یمن می‌توان احتمال‌های دیگری را نیز در نظر گرفت. گرچه امارات بخش اعظمی از نیروهای خود را از یمن خارج کرده است، اما آن‌ها را با نیروهای نیابتی جایگزین کرده است؛ یعنی از لحاظ کارکردی و واقعیت میدانی تغییر اساسی اتفاق نیفتاده است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد امارات با وجود اختلاف با سعودی هنوز در زمین سعودی بازی می‌کند. به ویژه آن که می‌توان در نظر گرفت که سعودی پس از شکست در یمن و پایان یافتن رویای پیروزی کامل به فکر فعال کردن گزینه دوطرفه کردن یمن افتاده است و از این جهت سر دولت عبدمنصور هادی را گوش‌تاگوش بریده است؛ موضوعی که در اظهارات وزیر کشور هادی دیده می‌شود. بنابراین تغییر شرایط عدن را نمی‌توان به معنای کامل، اختلاف سعودی-اماراتی تعبیر کرد. حال این که شاید شرایط کنونی برای کشور یمن بدتر از شرایط قبلی است چراکه احتمال جدایی جنوبی‌ها افزایش یافته است. ثالثاً در گزارش‌هایی که می‌گویند امارات در حوزه نفتی و بانکی گشایش‌هایی را به وجود آورده است باید توجه کنند که مسئله صادرات نفت ایران از طریق پایانه‌های اماراتی بسیار بسیار دور از ذهن است چراکه اگر چنین اتفاقی رخ می‌داد به طور قطع آمریکایی‌ها با آن به شدت برخورد می‌کردند. همچنین که اطلاع از چنین اقدامی در داخل سرزمین‌های امارات برای آن‌ها کار ساده‌ای است؛ همه می‌دانند که دبی بهشت جاسوسان منطقه است و مضافاً بر این ساختار سیاسی چندگانه در امارات این موضوع را به اطلاع طرف آمریکایی می‌رساند و برخلاف تصور برخی تحلیل‌گران که معتقدند ممکن است آمریکا چشم‌پوشی عامدانه‌ای انجام داده است باید گفت که گرچه سیاست خارجی آمریکا در تشتت عجیبی قرار دارد اما در موضوع فشار حداکثری بر ایران هیچ اختلافی در بین مسئولان عالی آن وجود ندارد.

ریزه‌کاری‌های جوان‌گرایی

صبح نو: گفتمان جوان‌گرایی در ایران جان گرفته و تغییرات در مدیران ارشد و میانی که دارای چنین صبغه‌ای باشند، به یک مطالبه فراگیر بدل شده است؛ اما مانند هر امر مطلوب دیگری، افراط و تفریط در جوان‌گرایی می‌تواند موجبات تضعیف این راهبرد کلان و خطیر را فراهم آورد. عمده انتقادات در این میان، مقایسه وضع کنونی مدیران با ۴۰ سال قبل است که چگونه بوده که در ابتدای انقلاب مصادر مهمی نظیر فرماندهی سپاه پاسداران یا خطبای ائمه جمعه به جوانان سپرده می‌شد و اکنون این روند با کندی روبه‌روست. بدون هیچ طعنه‌زنی‌ای، فقدان حافظه تاریخی از مهم‌ترین آسیب‌های امروز جامعه ماست که فقط برش‌هایی از گذشته در آن بازنمایی می‌شود که تحلیل‌های موردنظر را تأیید کند؛ حال آنکه در همان مقطع ابتدایی انقلاب، مثلاً فرماندهان ارتش هیچ‌یک از ویژگی جوانی (به معنای سن) برخوردار نبودند و حتی دو خطیب اول نماز جمعه تهران هم در ردیف سن‌وسال‌دارها قرار داشتند. این گزاره‌ها نشان می‌دهد که در اجرای سیاست جوان‌گرایی، ریزه‌کاری‌های بسیاری وجود دارد که فقط تمرکز بر شاخص سنی جمعیت‌شناسانه برای آن مطلوبیت

ندارد و همچنان که در مانیفست گام دوم تدارک شده، پیوندی است میان گذشته، حال و آینده که طبعاً جوانان محور تحرک آن هستند.

مقصر افزایش بی رویه سوخت کیست

فارس: قبل از سال ۱۳۸۶، مصرف بنزین در ایران سالانه ۵ تا ۶ میلیون لیتر در روز افزایش داشته است. پس از سال ۸۶ و آغاز استفاده از کارت_سوخت، مصرف روزانه نسبت به سال ۸۵، هشت میلیون لیتر کاهش می‌یابد. از سال ۸۶ تا سال ۹۳، یعنی در دوره هشت ساله استفاده از کارت سوخت، مصرف روزانه از ۶۵ میلیون لیتر در روز به ۶۹،۵ میلیون لیتر می‌رسد، یعنی در هشت سال، کل افزایش مصرف بنزین ۳،۵ میلیون لیتر در روز بوده است. از سال ۹۴ که کارت سوخت حذف می‌شود، تا سال ۹۷، یعنی طی چهار سال، مصرف روزانه ۲۰ میلیون لیتر افزایش می‌یابد. گزارش‌هایی که در برخی مراکز دولتی تولید شده است، می‌گوید در سال ۹۷ روزانه ۲۰ میلیون لیتر قاچاق بنزین انجام شده است. معادله کاملاً روشن است. قبل و بعد از وارد شدن کارت سوخت به فرآیند مصرف، بخشی از عددی که به عنوان مصرف ثبت می‌شد، در واقع قاچاق شده است. با آمدن کارت سوخت جلوی قاچاق گرفته شده و با حذف سوخت، قاچاق با قدرت بیشتری بازگشته است.

حذف کارت سوخت فقط در سال ۹۷ خسارتی بالغ بر هفت هزار و سیصد میلیارد تومان به کشور وارد کرده است. آیا نباید عوامل این خسارت عظیم پاسخگو باشند؟ چرا باید این جماعت، در کمال وقاحت، طلبکاری کنند و افزایش مصرف را به گردن ارزانی بنزین بیندازند تا با افزایش قیمت، کسری بودجه خود را تامین کنند؟ کسری بودجه‌ای که به راحتی از محل جلوگیری از فرار مالیاتی قابل تامین است.

توجه کنیم که کشش قیمتی تقاضای مصرف واقعی بنزین، بسیار پایین است. یعنی مصرف واقعی که ناشی از یک نیاز واقعی است، با افزایش قیمت تغییر نخواهد کرد. آنچه اتفاق خواهد افتاد، افزایش سایر قیمت‌ها به تبع افزایش هزینه حمل و نقل، و تحمیل یک موج تورمی جدید به مردم است.

راهبرد تحریم، فشار به مردم است. ما باید از همه ابزارهای خود برای مقابله با این فشار استفاده کنیم. افزایش قیمت بنزین، با راهبرد مقابله با تحریم در تضاد مطلق است.

